

**نویسنده:** دنیل ار دیپتريس (Daniel .R. Depetris).

**منبع و تاریخ نشر:** انتی وار «2018-06-31» .

**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

امید وار هستیم که این هفدهمین جنرال در افغانستان با کفایت باشد  
In Afghanistan Hoping the 17<sup>th</sup> General is the charm

چندین باری است که میگویم «او یکی است که در این جنگ  
شکست خورده است؟»

How many times are we going to say “he’s the one “ in this  
failing war ?



جنرال استین «میلر» فرمانده و قوماندان عملیات های خاص مشترک (27 جولای سال  
(2016) عکاسی وزارت دفاع آمریکا توسط نیروهای هوایی و دریایی بریجنت  
نیوتن برانتلی منتشر شده است} ایالات متحده آمریکا فیلکر

جنرال استین «میلر» (G.Austin .S. Miller) افسر ارشد ایالات متحده آمریکا است که  
اوبعنوان یک صاحب منصب نظامی فوق العاده مختص و ماهر در سوق اداره و انجام  
عملیات های بویژه نظامی با دلیری و از خودگذری و وظیف اجرا کرده است و مینماید

یعنی که او یک افسر شجاع و توانا در سوق و اداره عملیات های خاص میا شد. ولی با تاسف باید گفت که شاید او این همه تجربه برتر و مهارت های بویژه خود را در بسر رساندن ماموریت بعدی خود در افغانستان از دست خواهد داد؛ چونکه افغانستان نه تنها که قبرستان برای فرماندهان ایالات متحده امریکا و نیروهای ایتلاف امپراتوری است بلکه همچنان گورستان برای استراتژی نظامی امریکا و دیپلوماسی آن کشور در طول همین «17» سال گذشته بوده است.

جنرال اوستین «میلر» از لحظه ای که از اکادمی نظامی ویست پوینت (west point) در سال (1983) فارغ التحصیل شده است از همان هنگام در دنیای عملیات های بویژه نظامی متعلق به ارتش ایالات متحده امریکا درگیر و مصروف وظیفه شده است. او در ارتش بعنوان گارد و محافظ جنگل ها و پارک ها نیز ایفای وظیفه کرده است. وظیفه ای که به آن رنجرز (Rangers) گفته میشود. و بعداً به صف نیروی دلتای نخبگان درآمد. او و بیاس خدمت خود ستاره ای برنر را به نسبت سوق اداره ماموریت مبنی بر خروج بدنام و سرافکننده ای نیروهای نظامی متجاوز امریکا از موگادیشو سومالی بدست آورده است. جنرال «میلر» هشت سال بعد یکی از اولین امریکایی ها پس از حملات مورخ یازدهم سپتمبر سال (2001) در افغانستان بود. او در سال (2005) در خونین ترین زمان جنگ در عراق به حیث فرمانده نیروی دلتا گماریده شد. بعداً او در سال (2016) از مقام سرپرست ستاد مشترک عملیات مشترک (joint special operation) بعنوان سرپرست از گروه عملیات ویژه در همان سال یعنی در سال (2016) صعود کرد که برای Manhunting یکوقت مشهور بود (Manhunting). یک اصطلاح است که گاهی اوقات برای عملیات نظامی توسط نیروهای عملیات ویژه

و سازمان های اطلاعاتی برای جستجو و ضبط یا کشتن عوامل مهم دشمن شناخته می شود که اهداف با ارزش بسیار بالایی دارند. به ویژه در ایالات متحده در طول جنگ علیه تروریسم مورد استفاده قرار گرفته است. [1] و به اصطلاح توسل به روش های بازجویی تحت نظر جنرال مک کریستل (که او خود سعی کرد و نتوانست که در زمان ماموریت؛ بارک «اوباما» همه چیز را در افغانستان تغییر دهد.) توظیف شد. حسب گزارش های منتشر شده هفته ای گذشته قرار است که جنرال استین «میلر» به زودی فرمان تقرر خود را برای وظیفه فرماندهی جدید در افغانستان بدست خواهد آورد - چونکه دونالد ترامپ رییس جمهور ایالات متحده امریکا چندی قبل در حدود (4000) نیروی نظامی اضافی را بخاطر بسر رساندن ماموریت های جدیدشان به افغانستان فرستاد و بعداً تصمیم رییس جمهور بر آن شد که جنرال استین «میلر» را بعنوان فرمانده کل قوا و نیروهای نظامی ایتلاف در افغانستان بگمارد. یک منبع نظامی ارشد از زمان بازنشستگی خود به (TAC) گفته است که توانایی های

رهبری ویا لیدرشفی نظامی جنرال استین «میلر» و تجارب گذشته ای او در افغانستان و روابط بلند مدت او با مقامات نظامی وپولیس افغانستان ترکیب «ایده ال» در این نقطه ای از جنگ است؛ هرچند با توجه به اینکه (16) سلف پیش از جنرال «میلر» «ایده ال» ویژه گی هایی مناسب برای این کار سخت است باور شود که او میتواند در کارویا در ما موریت محوله خود موفق گردد؛ چنانچه که (16) جنرال ویا فرمانده کل قوای نظامی ایالات متحده امریکا مستقر در افغانستان یکی بعد از دیگری نتوانستند که در افغانستان ماموریت های شان را موفقانه انجام دهند وآن اینکه:

\* آیا میتوان اعتراف کنیم که بازسازی در افغانستان صورت نگرفت ویا کسانیکه برای بازسازی در افغانستان توظیف شده بودند نتوانستند بازسازی کنند؟  
\* گفتگو با طالبان یگانه راه خروج از افغانستان است.

قصر سفید قطعاً امیدوار است که قضیه ویا مورد همین است. اما (نه) ماه بعد دونالد ترومپ رییس جمهور به ادرس مردم امریکا استراتژی تازه وجدید خود را به ارتباط وضعیت افغانستان در اشاره به آسیای جنوبی اعلام کرد و چنین وانمود ساخت که شاخص های آن در افغانستان به همان اندازه دلننگ کننده و افسرده بار است که تا حال دیده شده است در حالیکه فرماندهان بطور عام پیشرفت خود را به مبارزه ویا به پیکا رجویی مطبوعاتی پنتاگون وابسته و منوط میدانند، نگهبانان دولتی تنها اندازه گیری های بس وحشتناک وتلخ را به اشتراک هم میگذارند. جان سوپکو (John Sopko) مفتش ویا زرس ویژه برای بازسازی افغانستان در آخرین گزارش سه ماه خود خاطر نشان ساخت که همین اکنون بیش از یک سوم جمعیت افغانستان خارج از کنترل کابل قرار دارد. تنها (3،56) درصد از مناطق کشور را در تحت کنترل وتصرف خود دارد در واقع شورشیان بیشترین بخش ها وقلمرو های افغانستان را از وقتیکه باز رسان این گزارش را تهیه میکرد در تحت تصرف خود دارند.

ارتش وپولیس ملی به جای آنکه به اهستگی در اجرای عملیات های خود رو به جلو روند با بسیاری از مشکلات داخلی روبرو می شوند یعنی که در محاصره مشکلات وپرابلم ها درگیر میشوند. بازرس کل نظارت بر وزارت دفاع افغانستان عملیات آزادی سنتینیل (operation freedom Sentinel) ومسایل نامطلوب مربوط به آن را در نیروهای امنیتی بگونه مستند وانمود ساخته است بطوریکه نیروی ترکیبی تقریباً از حد واندازه معین (39000) نیروی کار که باید موجود باشد از آن کمتر است.

در عین حال طالبان هیچ قصد ویا نیت مذاکره بادولت افغانستان راندارند واین گروه های شورشی تا حدی بخاطر آن خوش چانس هستند که دولت حمایت گر شان یعنی پاکستان نه میخواهد که طالبان افغان در دولت افغانستان مدغم شوند ویا با دولت افغانستان صلح

کنند. بلکه دولت حامی طالبان تلاش مینماید که بواسطه طالبان افغانی دولت کنونی افغانستان را سرنگون سازند. و از سوی هم نظامیان پاکستان بشمول اداره اطلاعاتی (آی اس آی) پاکستان طبق استراتژی از قبل طرح شده ای خود میخواهند که طالبان رابحیث یک نیروی بازدارنده در مقابل نفوذند در افغانستان مورد استفاده قرار دهند. علیرغم آنکه نیروهای هوایی ایالات متحده امریکا از سال (2016) به بعد به تقویه و توانمند شدن نیروی هوایی در افغانستان پرداخته اند - ولی با آنهم طالبان نیروی رزمی قوی و نیرومندی هستند که قادر به اجرای عملیاتهای موثر علیه نیروهای افغانی میباشند. تاجیکه توان و قدرت نیروهای امنیتی افغان در مقابل طالبان به شدت وابسته به نیروی هوایی است. در اوایل ماه جاری جنگجویان طالبان با مقاومت کمی از سوی نیروهای دولتی به مرکز ولایت فراه حمله کردند و کابل با فرستادن نیروی نظامی اضافی توانست که شهر را از تصرف طالبان آزاد و در تحت کنترل دولت قرار دهد و به خاطر آزاد ساختن مرکز ولایت فراه از دست طالبان، دولت افغانستان مجبور شد که از نیروی هوایی ایالات متحده امریکا تقاضای حمایت و پشتیبانی کند. این خود یک نشانه ای دیگری میتواند باشد که با وجود صرف بیش از (78) میلیارد دلار پول مالیات دهندگان مردم امریکا، ارتش افغانستان تا هنوز قادر به دفاع از کشور خود بگونه ای مستقلانه بدون حمایت هوایی و پشتیبانی لوجستیکی و اشنگتن نیست.

این امر و یا این وضعیت نظامی در افغانستان به ستاد کل ارتش امریکا جنرال استین «میلیر» این آگاهی را خواهد داد تا بخاطر تغییر وضعیت و یا بیرون رفتن از این وضع نامطلوب امنیتی و نجات دولت افغانستان از تهاجم مخالفان استراتژی جنگی را اجرا کند تا جایکه این استراتژی تا هنوز به همان اندازه غیر موثر و پایدار باقی مانده است. و از سوی هم طالبان در مقیاس وسیع تر بخاطر نیل به هدف شان پتک و یا چکش ضربات خود را بمنظور راه یابی و حل و فصل ختم این مخالفت خونی و فراهم آوری صلح بکار می برند چراکه طالبان حتی فکر میکنند که برای رسیدن به جدول و یا مهلت زمانی که بتوانند در پاکستان همسایه خود برای پناهندگی شان اعتماد کنند این اطمینان را بگونه تضمین شده در دست ندارند چونکه هرگز در این مورد توسط کاخ سفید و پنتاگون به اندازه کافی توضیح داده نشده است.

متأسفانه که ما این سناریو فلم را بیش از یک دهه ونیم است که تجربه کرده ایم که در صحنه اول این فلم سینمایی توسط رییس جمهور فرمانده و یا جنرال ارارسته و پیرارسته منصوب شده تا که این فرمانده کل منصوب شده اگر بتواند که جنگ را در افغانستان مهار کند و یا جنگ را متوقف سازد؛ صحنه دوم این فلم سینمایی شامل چندین نمایه درخشان و یا بزرگ جلوه دادن ویژه گی های منحصر بفرد این جنرال جدید منصوب شده بعنوان یک افسر متفکر و نوآور و جنگ جو در رسانه ها بوده است به مردم امریکا

گفته میشود که شاید این افسر منصوب شده جدید یک شخصی باشد و یا یک کسی است که همچو جن و پری با سحر و جادو گرد و غبار این جنگ نامعلوم و در حال بازنده را به چیزی تبدیل کند که سرخ روی قصر سفید را نشان دهد یا به عبارتی دیگر این فرمانده منصوب شده ای نو چهره و سیمای این جنگ نابرده (باخته شده) را به شکل و صورتی درآورد یا موفقیتی بدست آورد و ببرد آنچه که قصر سفید بتواند ادعای پیروزی کند .

از آن گذشته؛ چندان وقت طولانی سپری نشده بود که جنرال مک کریستل سوار در هلیکوپتر خود برای مدت (60) دقیقه را جمع به ابتکار دولت خود در رابطه به ضرورت کامل همبستگی دولت اش با مردم افغانستان مصاحبه را انجام داد و بعد از جنرال مک کریستل؛ جنرال دیگری بنام پتریوس کسی که او را یک جنرال مدبر با داشتن افکار بلند و با نفوذ از نسل اش تعریف و توصیف میکردند از طرف پارک «اوباما» رییس جمهور امریکا بعنوان جانشین جنرال مک کریستل در راس کل قوای نظامی امریکا در افغانستان منصوب شد چنانچه بعداً مفسران و قانونگذاران کار آگاه و محبوب جنرال پتریوس را بعنوان ویا با آرزوی آخرین امید امریکا در پیروزی جنگ افغانستان جنگی که در جهت اشتباه و نادرست توصیف شده است دانستند .

بهر صورت اخیراً واشنگتن پست خبر تقرر جنرال نیکلسون فرمانده نیروی دریایی کنونی ایالات متحده امریکا را بعنوان قوماندان کل قوای نظامی امریکا در افغانستان بدست نشر سپرد کسی را که آگاهان سیاسی امریکا از داشتن درک او در مورد جامعه و فرهنگ افغانستان توصیف نمودند و گفتند که این جنرال با شناخت از جامعه و فرهنگ مردم افغانستان این توانایی را در خود می بیند که او بتواند در این جنگ موفقیت را برای امریکا به ارمغان آورد .

به همان اندازه که ما به آرزوی موفقیت های هر چه بیشتر جنرال استین «میلر» در پیشبرد وظایف محوله اش در افغانستان آرزو مندیم باید این شک و تردید را هم داشته باشیم که جنرال استین «میلر» قادر نخواهد بود آنچه را که (16) جنرال فرمانده پیشین در افغانستان نتوانستند انجام دهند او میتواند انجام دهد یعنی که افغانستان از هر نقطه نظر چه سیاسی و چه دفاعی بخود متکی گردد و دیگر کشوری برای حملات تروریستی باقی نماند یا که دیگر در آن حملات تروریستی و انتحاری رخ ندهد دارای تجربه بیشتری باشد و حتی دیگر محتاج مزاحمت های سیگار نشود بلکه به پای خود استوار بایستد .

----- **با تقدیم سلام ها «06-06-2018»**